

جمع بندی کنید ولی جمع بندی نکنید!

جمله عجیبی بود نه؟ به هر حال مقدمه کتاب فلسفه و منطق نباید با به جمله معمولی شروع بشه دیگه. حالا منظورم از این جمله چیه؟

کتابی که دستتونه از مجموعه کتاب‌های جمع‌بندی خیلی سبزه و همین‌طور که از اسمش برمیاد قراره بهتون کمک کنه تا در ماه‌های نزدیک به کنکورتون، با به منبع خلاصه و دقیق تو به زمان کوتاه، درس‌هاتون رو دوباره سریع مرور کنید و تسلط نهایی رو روش به دست بیارید. توی درس فلسفه و منطق هم، این کتاب قراره مفید و مختصر موضوعات مهم هر درس رو بهتون یادآوری کنه، نکات مهم رو یادتون بده، قلق‌های تست‌زنی رو براتون مرور کنه و ...؛ بنابراین می‌تونید جمع‌بندی درس فلسفه و منطقتون رو با خیال راحت بسپارید به این کتاب، خطبه‌خط باهاش بیایید جلو، به درس‌نامه‌ها و نکات تستی‌ش موبه‌مو توجه داشته باشید و این درس رو «جمع‌بندی کنید»!

ولی اون «جمع‌بندی نکنید» رو واسه چی گفتم؟ برای من یکی از مهم‌ترین جذابیت‌های رشته انسانی اینه که خیلی از درس‌هاش، بعداً تو خود زندگی به کارتون میاد، فارغ از این‌که چه رشته‌ای بخونید و سراغ چه شغلی برید و ... دقیقاً تو خود زندگی براتون کارایی دارن؛ مثلاً تو درس ۱ کتاب منطقتون، در تعریف منطق می‌خونید که علمیه برای جلوگیری از خطای اندیشه. علمیه که بهتون شیوه‌های درست اندیشیدن رو یاد می‌ده. خب این علم، این درس، فارغ از این‌که بعدها چه رشته‌ای بخونید و چی‌کاره بشید، همیشه به کارتون میاد. تا هر موقع که بخواید بیندیشید و تو این اندیشیدنون خطا نکنید. یا اگه از اون دست آدمایی باشید که هر جایی و تو هر موقعیتی باشن، دوست دارن از فطرت اول عبور کنن و برسن به فطرت ثانی. چیزایی که تو درس فلسفه یاد می‌گیرید براتون راهنمای خوبی خواهد بود. پس هر درسی رو که بعد از دوران جمع‌بندی بوسیدید و گذاشتید کنار مشکلی نیست، اما پیشنهاد می‌کنم درسای مثل فلسفه که تو زندگی به کارتون میاد رو ببوسید ولی نذارید کنار، همین‌جوری هی ببوسیدشون و ازشون استفاده کنید!

با چندتا تشکر، مقدمه رو تموم کنم:

از مؤلف‌های کتاب، آقایان سده‌هی، آخوندی و منصوری ممنونم که برای تألیف این کتاب سنگ تموم گذاشتن و تمام دانش و تجربه‌شون رو آوردن پای کار؛ هم‌چنین از ویراستارهای کتاب که حسابی دقت و وسواس به خرج دادن واسه رفع مشکلات احتمالی کار. از خانم ندا انصاری مسئول پروژه کتاب سپاس‌گزارم که روند پیشبرد کار رو مرحله‌به‌مرحله چک و پیگیری کردن تا به بار بشینه. به تشکر ویژه هم می‌کنم از دوستان عزیزمون در واحد تولید که بخش زیادی از آماده‌سازی کتاب رو مدیون تلاش‌های اون‌ها هستیم.

تقدیمی‌ها

محمدجواد سده‌هی: تقدیم به همه افرادی که برای بهتر بودن تلاش می‌کنند.

علی‌اکبر آخوندی: تقدیم به مادرم برای همه آن‌چه در زندگی دارم.

احمد منصوری: تقدیم به پدر و مادر عزیزتر از جانم، باشد که بوسه‌ای بر دستان پرمهرشان باشد.

تقریباً از زمانی که ما کنکور داشتیم، کلاس‌های نکته و تست و همایش گل کرد. برای همه دانش‌آموزها جذاب بود که بتونن توی مدت کم نکته‌های تستی رو یاد بگیرن و از هر نکته چندتا تست خوب بزبن تا توی ذهنشون تثبیت شه ... دیگه از اون موقع، این کلاس‌ها و جزوه‌ها، جای خودش رو بین دانش‌آموزهای کنکوری باز کرد و هنوز هم کلی طرفدار داره ...

حالا ما کلاس نکته و تست رو آوردیم توی خونه شما ...

درس‌نامه وقتی این کتاب رو می‌خونید، دقیقاً انگار سر کلاس نکته و تست نشستید. اول هر درس، یک نمای کلی از درس بهتون دادیم، بعد توی هر درس، مباحث مختلف رو خیلی جمع‌وجور و آمپولی با نمودارهای درختی و دسته‌بندی‌های منظم، توضیح دادیم و بعدش تازه رفتیم سراغ نکته‌های کنکوری اون مبحث. نکته‌های کنکوری رو سه دسته کردیم براتون؛ نکته‌های طلایی که کمی بالاتر از سطح کتاب هستن و خیلی توی تست‌ها کاربرد دارن، نکته‌های نقره‌ای که تقریباً در سطح کتاب هستن و توی تعداد زیادی از تست‌ها ازشون استفاده می‌شه و آخرش هم هشدارها. در قسمت هشدارها، دقیقاً تله‌های تستی رو براتون توضیح دادیم تا توی دام گزینه‌های غلط نیفتید.

تست‌ها اگر فکر کردید مطالب کتاب همین بود، سخت در اشتباهید. 😊 چون تقریباً بعد از نکات هر مبحث، از اون موضوع، تست کنکور و تالیفی داریم تا قشنگ و حسابی مطالب توی ذهنتون بمونه ... از پاسخ‌نامه تست‌ها هم که نگیم براتون ...

راستی، باید یه تشکر حسابی از بچه‌های خیلی سبز بکنیم که خیلی کمکمون کردن، به‌خصوص آقای احمدپور نازنین که با پیگیری‌ها و راهنمایی‌هاشون خیلی روی این کتاب اثر گذاشتن و خانم انصاری عزیز که کلی صبوری کردن و با اخلاق فوق‌العاده‌شون کارها رو پیش بردن. ما این کتاب رو با جون و دلمون نوشتیم، به امید این‌که واقعاً کمکتون کنه ...

خدا پشت و پناهتون

مقدمه و معرفی

دهم

- ۷ درس اول: منطق، ترازوی اندیشه
- ۱۲ درس دوم: لفظ و معنا
- ۱۶ درس سوم: مفهوم و مصداق
- ۲۱ درس چهارم: اقسام و شرایط تعریف
- ۲۶ درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی
- ۳۰ درس ششم: قضیه حملی
- ۳۵ درس هفتم: احکام قضایا
- ۴۰ درس هشتم: قیاس اقترانی
- ۴۴ درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی
- ۴۹ درس دهم: سنجشگری در تفکر

یازدهم

- ۵۳ درس اول: چیستی فلسفه
- ۵۸ درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه
- ۶۲ درس سوم: فلسفه و زندگی
- ۶۷ درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه
- ۷۳ درس پنجم: زندگی براساس اندیشه
- ۷۹ درس ششم: امکان شناخت
- ۸۲ درس هفتم: ابزارهای شناخت
- ۸۷ درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت
- ۹۵ درس نهم: چیستی انسان (۱)
- ۱۰۱ درس دهم: چیستی انسان (۲)
- ۱۰۶ درس یازدهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا

دوازدهم

- ۱۱۲ درس اول: هستی و چیستی
- ۱۱۷ درس دوم: جهان ممکنات
- ۱۲۱ درس سوم: جهان علی و معلولی
- ۱۲۷ درس چهارم: کدام تصویر از جهان
- ۱۳۱ درس پنجم: خدا در فلسفه ۱
- ۱۳۷ درس ششم: خدا در فلسفه ۲
- ۱۴۲ درس هفتم: عقل در فلسفه ۱
- ۱۴۸ درس هشتم: عقل در فلسفه ۲
- ۱۵۴ درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
- ۱۵۹ درس دهم: دوره میانی
- ۱۶۵ درس یازدهم: دوران متأخر
- ۱۷۲ درس دوازدهم: حکمت معاصر
- ۱۷۷ پاسخ‌نامه تشریحی
- ۲۰۳ پاسخ‌نامه کلیدی

قیاس اقترانی

درس ۸

از درس‌های خیلی خیلی مهم منطق که احتمال طرح سؤال از اون به دلیل نوع تست‌های این درس که مسئله‌محورن، خیلی زیاده و ارتباط تنگاتنگی با دروس ۶ و ۷ منطق هم داره و بدون تبحر توی اون دروس، در حل سؤالات این درس با مشکل مواجه می‌شید.

جمع و جور ۱

می‌فوایم با یکی از مهم‌ترین مباحث منطق، یعنی قیاس اقترانی آشنا بشیم. کلی نکته و تست مهم توی این درس وجود داره، که کنار هم یادش می‌گیریم.

قیاس اقترانی

قیاس

نوعی از استدلال که در آن مقدمات از نتیجه حمایت قطعی می‌کند.

ساختار قیاس شامل دو مقدمه و یک نتیجه است.

یکی از انواع قیاس، قیاس اقترانی میان دو قضیهٔ حملی است.

علت نام‌گذاری قیاس اقترانی ← موضوع یا محمول یک مقدمه، قرین (در ارتباط) با موضوع یا محمول یک مقدمهٔ دیگر است.

نتیجه‌گیری از قیاس

برای این که بتوان از دو مقدمهٔ قیاس به نتیجه رسید، باید میان آن دو مقدمه ارتباط وجود داشته باشد ← به جزء مشترک (ارتباط میان دو قضیه)، «حد وسط» می‌گویند.

شرط اول نتیجه‌گیری از یک قیاس ← تکرار حد وسط (هم به صورت لفظی و هم به صورت معنایی) است.

در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده (یا به صورت لفظی یا به صورت معنایی)، نتیجه‌گیری شود ← دچار مغالطهٔ «عدم تکرار حد وسط» شده‌ایم.

ساختار نتیجهٔ قیاس

حد وسط در نتیجه حذف می‌شود.

موضوع نتیجه از مقدمهٔ اول می‌آید.

محمول نتیجه از مقدمهٔ دوم می‌آید.

اشکال قیاس اقترانی

بر اساس جایگاه حد وسط در مقدمهٔ اول و دوم، چهار شکل برای قیاس اقترانی بیان می‌کنیم.

شکل اول

در مقدمهٔ اول: محمول

جایگاه حد وسط

در مقدمهٔ دوم: موضوع

مثال ← مقدمهٔ ۱- الف ب-

مقدمهٔ ۲- ب ج-

شکل دوم

مقدمهٔ اول: محمول

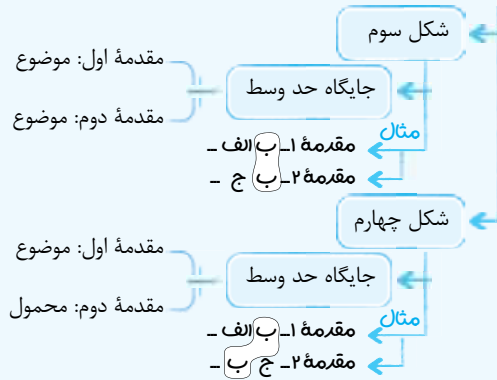
جایگاه حد وسط

مقدمهٔ دوم: محمول

مثال ← مقدمهٔ ۱- الف ب-

مقدمهٔ ۲- ج ب-





نکات مرتبط با «نتیجه گیری قیاس»

نکته طلایی شرط اول برای نتیجه گیری از قیاس، تکرار کامل (لفظی و معنایی) حد وسط است.
نکته نقره‌ای (۰) علامت نتیجه است.

هشدار موضوع نتیجه از مقدمه اول آمده است، نه این که مقدمه اول مقدمه ای باشد که موضوعش در نتیجه بیاید. به عبارتی موضوع نتیجه که از مقدمه اول آمده، شاید در مقدمه اول موضوع باشد یا محمول. (همین نکته در مورد محمول نتیجه هم که از مقدمه دوم می آید، صدق می کند.)

نکات مرتبط با «حد وسط»

نکته طلایی در تکرار حد وسط به صورت لفظی، باید موضوع و محمول دو مقدمه را مشخص کنیم و دقت کنیم که دقیق تکرار شده باشد.
مثال (۱) حسن در کشتی است (۲) کشتی حرکت می کند (۰) حسن حرکت می کند (عدم تکرار حد وسط به صورت لفظی)
مثال (۱) دیوار دارای موش است (۲) موش دارای گوش است (۰) دیوار دارای گوش است (عدم تکرار حد وسط به صورت لفظی)
هشدار امکان دارد در مغالطه عدم تکرار حد وسط، نتیجه قیاس درست باشد پس درست بودن نتیجه (صادق بودن) مهم نیست، بلکه تکرار کامل حد وسط مهم است.
هشدار دقت کنید که در هر استدلالی از جمله قیاس، ما از مقدمه به سمت نتیجه می رویم، نه برعکس؛ به همین دلیل است که درست بودن نتیجه به معنای معتبر بودن قیاس نیست.

۷۱- در کدام گزینه شرط اول برای نتیجه گیری از قیاس به درستی رعایت شده است؟

- (۱) انسان از خاک است، خاک از جمادات است؛ پس انسان از جمادات است.
- (۲) کره از ماست درست شده؛ آن چه از ماست درست شده محصول لبنی است؛ پس کره محصول لبنی است.
- (۳) سعدی شاعر است؛ شاعر چهار حرف دارد؛ پس سعدی چهار حرف دارد.
- (۴) علی شناسنامه دارد؛ شناسنامه کاغذی است؛ پس علی کاغذی است.

۷۲- اگر در یک قیاس اقترانی، محمول یک مقدمه، موضوع نتیجه باشد، کدام مطلب در مورد شکل قیاس درست است؟

- (۱) اگر موضوع مقدمه دیگر محمول نتیجه بشود، قیاس شکل اول داریم.
- (۲) اگر محمول مقدمه دیگر حد وسط باشد، قیاس شکل چهارم است.
- (۳) اگر محمول مقدمه دوم، محمول نتیجه باشد، قیاس شکل دوم است.
- (۴) اگر موضوع مقدمه دیگر به عنوان محمول نتیجه قرار بگیرد، قیاس شکل سوم است.

۷۳- کدام گزینه درباره حد وسط مطلب نادرستی را بیان می کند؟

- (۱) قرین بودن حد وسط در قیاس اقترانی به معنای قرارگیری در جایگاه مشابه در مقدمه اول و دوم است.
- (۲) شرط اول نتیجه گیری از یک قیاس، تکرار کامل حد وسط در دو مقدمه می باشد.
- (۳) اگر دو عبارت با یکدیگر اشتراک لفظ داشته باشند، نمی توان از آن ها به عنوان حد وسط استفاده کرد.
- (۴) اگر حد وسط در یک مقدمه «اعضای بدن» و در مقدمه دیگر «عضو بدن» باشد، می توان از این قیاس نتیجه گیری بدون مغالطه کرد.

جمع و جور ۲

قانون نتیجه قیاس هم خیلی مهمه، هم خیلی راحت.

قانون نتیجه قیاس

قانون نتیجه قیاس، همان قانون کیفیت (نسبت، رابطه) نتیجه قیاس است.

قانون کیفیت نتیجه

اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد. نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

اگر هر دو مقدمه استدلال موجه باشد. نتیجه نیز موجه خواهد بود.

اگر نتیجه قیاس از قانون نتیجه قیاس پیروی نکرده باشد، آن قیاس نامعتبر است.

نکات مرتبط با «قانون نتیجه قیاس»

تکرار کامل حد وسط و رعایت قانون نتیجه قیاس برای اعتبار یک قیاس، لازم هستند اما کافی نیستند. **تذکره** اگر در یک قیاس قانون نتیجه قیاس رعایت شود، آن قیاس لزوماً معتبر نیست؛ چراکه قانون نتیجه قیاس، تنها شرط اعتبار قیاس نیست.

جمع و جور ۳

باید نحوه تعیین دامنه مصادیق موضوع و معمول رو خوب یاد بگیریم، چون شرایط اعتبار قیاس که قراره بعد از این بتونیم کاملاً وابسته به فهمیدن همین نکته است.

دامنه مصادیق موضوع و معمول

منظور از دامنه مصادیق موضوع و معمول این است که چه میزان از مصادیق موضوع یا معمول مورد نظر گوینده است.

اگر همه مصادیق موضوع یا معمول مورد نظر گوینده باشد، از علامت (+) استفاده می‌کنیم.

اگر برخی از مصادیق موضوع یا معمول مورد نظر گوینده باشد، از علامت (-) استفاده می‌کنیم.

علامت دامنه مصادیق موضوع و معمول در قضایای محصوره

موضوع

سور کلی (هر/هیچ) +

سور جزئی (بعضی) -

معمول

قضایای سالبه +

قضایای موجبه -

علامت دامنه مصادیق موضوع و معمول در قضایای شخصییه

موضوع

موضوع همیشه +

معمول

قضایای سالبه +

قضایای موجبه -

تعیین علامت دامنه مصادیق موضوع و معمول، اساس تعیین اعتبار یک قیاس است؛ یعنی با تعیین این علامت‌ها می‌توان شرایط اعتبار قیاس را بررسی کرد.

نکات مرتبط با «دامنه مصادیق موضوع و معمول»

اگر در یکی از مقدمات، معمول مثبت باشد (یعنی اگر یکی از مقدمات سالبه باشد)، در نتیجه نیز معمول مثبت خواهد بود (یعنی نتیجه هم سالبه خواهد بود؛ چراکه طبق قانون نتیجه قیاس اگر یک مقدمه، سالبه باشد، نتیجه هم سالبه خواهد بود) و برعکس.

از آن‌جا که موضوع قضایای شخصییه، مفهومی جزئی است و فقط یک فرد مشخص در آن‌ها مورد نظر است پس در این قضایا، همه مصادیق موضوع که همان یک فرد است، مورد نظر قرار می‌گیرد.

۷۴- در کدام قضیه دامنه مصادیق موضوع و معمول یکسان است؟

(خارج ۱۴۰۰)

- (۱) برخی از حیوانات استخوان ندارند.
- (۲) تیم والیبالیان جانبازان بازی را برد.
- (۳) آدمی به طور طبیعی به آینده می‌اندیشد.
- (۴) محمود از فرستاده مغولان استقبال خوبی نکرد.

جمع و جور ۴

مهم‌ترین بخش این درس سه شرط اعتبار قیاسه، که اول باید خوب یادشون بگیرین، بعرض با تکرار و تمرین نسبت به اون‌ها تسلط و مهارت پیدا کنین.

شرایط اعتبار قیاس

علاوه بر رعایت قانون نتیجه قیاس باید سه شرط دیگر رعایت شود تا آن قیاس معتبر باشد.

شرط اول

حداقل یکی از مقدمات موجبه باشد.

هر دو مقدمه نباید سالبه باشد.

شرط دوم

اگر شرط اول اعتبار قیاس رعایت شده بود، شرط دوم را بررسی می‌کنیم.

حد وسط حداقل در یکی از مقدمات دارای علامت مثبت باشد.

حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.

شرط سوم

اگر شرط اول و دوم اعتبار قیاس رعایت شده بود، شرط سوم را بررسی می‌کنیم.

اگر موضوع یا محمول در نتیجه دارای علامت مثبت بودند، در مقدمات نیز باید علامت مثبت داشته باشند.

اگر یکی از شرط‌های فوق رعایت نشود، آن قیاس نامعتبر خواهد بود.

اگر هر سه شرط فوق رعایت شود، آن قیاس معتبر خواهد بود.

نکات مرتبط با «اعتبار قیاس»

اگر قیاس معتبری شکل دوم باشد، نتیجه آن حتماً سالبه است.

اگر قیاس معتبری شکل سوم باشد، نتیجه آن حتماً جزئیه خواهد بود.

اگر نتیجه یک قیاس موجبه کلیه باشد، آن قیاس حتماً شکل اول خواهد بود. (نکات طلایی ۱ تا ۳ همگی با همین شرایط اعتبار قیاس قابل اثبات است و دلیل بیان این سه نکته بالا بردن سرعت در حل برخی تست‌ها است.)

در قیاس معتبر حداقل باید یک مقدمه کلی باشد. (نباید هر دو مقدمه جزئیه باشد.)

نتیجه قیاس معتبر شکل اول حتماً موجبه کلیه نیست اما اگر نتیجه موجبه کلیه باشد، قیاس حتماً شکل اول است.

برای این که بتوانیم بگوییم نتیجه یک قیاس معتبر، صادق است، باید حتماً دو مقدمه قیاسی نیز صادق باشد.

نکات مرتبط با «شرط اول اعتبار قیاس»

حداقل محمول یکی از مقدمات باید دارای علامت منفی باشد (یعنی حداقل یک مقدمه باید موجبه باشد).

نکات مرتبط با «شرط سوم اعتبار قیاس»

هر جزء نتیجه، اگر در نتیجه علامت مثبت داشته باشد باید در مقدمات هم علامت مثبت داشته باشد.

هر جزء نتیجه، اگر در نتیجه علامت منفی داشته باشد بررسی علامت آن در مقدمات مورد نیاز نیست.

هر جزء نتیجه، اگر در مقدمات علامت مثبت داشته باشد در نتیجه می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

هر جزء نتیجه، اگر در مقدمات علامت منفی داشته باشد باید در نتیجه هم علامت منفی داشته باشد.

اگر نتیجه موجبه جزئیه باشد، یعنی علامت موضوع و علامت محمول در نتیجه منفی است؛ پس در این صورت شرط سوم اعتبار قیاس نیاز به بررسی ندارد یا به تعبیر دیگر شرط سوم رعایت شده است.

۷۵- اگر قضیه «هر الف ب است.» از مقدمات یک استدلال معتبر باشد و بدانیم که «ب» حد وسط است، کدام قضیه نمی‌تواند مقدمه دیگر این استدلال باشد؟

(۱) هر ب ج است. (۲) بعضی ب ج نیست. (۳) هیچ ب ج نیست. (۴) بعضی ج ب نیست. (سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

۷۶- اگر نتیجه قیاس «بعضی الف ج است.» و یکی از مقدمات آن «بعضی ب الف است.» باشد، کدام عبارت درباره مقدمه دیگر نادرست است؟ (سراسری ۱۴۰۱)

(۱) موضوع و محمول آن، علامت یکسان دارد. (۲) محمول آن هر چه باشد، علامت منفی دارد.

(۳) موضوع آن هر چه باشد، علامت مثبت دارد. (۴) یا محمول یا موضوع آن، با موضوع نتیجه هم‌علامت است.

۷۷- نتیجه و مقدمه دوم یک قیاس به ترتیب عبارت‌اند از: «بعضی الف ب است.» و «هر ج ب است.» مقدمه اول آن کدام یک از قضایای زیر باشد تا اعتبار آن حفظ شود؟

(۱) بعضی الف ج است. (۲) هیچ ج الف نیست. (۳) بعضی ج الف نیست. (۴) هیچ الف ج نیست. (سراسری ۱۴۰۰)

۷۸- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟ (سراسری ۹۹)

(۱) هر ج د است. هر ج ب است. بعضی د ب است. (۲) هر الف ب است. هیچ الف ج نیست. هیچ ب ج نیست.

(۳) هیچ ج د نیست. بعضی د الف است. بعضی ج الف است. (۴) هیچ الف ب نیست. بعضی ج ب است. بعضی الف ج نیست.

۷۹- نتیجه مناسب برای مقدمات «بعضی ب الف است.» و «هر ب د است.» کدام است؟

(۱) هر الف د است. (۲) هر د الف است. (۳) بعضی الف د است. (۴) بعضی الف د نیست.

۸۰- در یک قیاس اقترانی شکل دوم، مقدمه اول سالبه جزئیه و مقدمه دوم موجبه کلیه است و نتیجه نیز سالبه جزئیه است. قیاس جدیدی تشکیل می‌دهیم

و در آن مقدمه اول و نتیجه را ثابت نگه داشته و مقدمه دوم را عکس مستوی می‌نماییم. این قیاس جدید، شکل چندم است و معتبر است یا نامعتبر؟

(۱) شکل اول - نامعتبر (۲) شکل اول - معتبر (۳) شکل دوم - معتبر (۴) شکل چهارم - معتبر

۸۱- اگر یکی از دو مقدمه یک قیاس اقترانی معتبر «بعضی الف ب است.» باشد، به ترتیب مقدمه دیگر و نتیجه این قیاس کدام گزینه می‌تواند باشد؟

(۱) بعضی ب ج است. - بعضی الف ج است. (۲) هیچ ب د نیست. - بعضی د الف نیست.

(۳) هر ب ج است. - بعضی الف ج نیست. (۴) هیچ الف د نیست. - بعضی ب د نیست.

یعنی «بعضی دیپلمه‌ها دانشجو هستند.» (تأیید بخش اول گزینه (۴) در «تداخل تحت تضاد» نیز از کذب یک طرف به صدق طرف دیگر می‌رسیم. تأیید بخش اول گزینه (۲) رد بخش اول گزینه (۳))

✓ «همه جانوران حس دارند.» ← موجه کلیه است. ← در صورت سؤال گفته شده که صادق است.

روابط تناقض، تضاد و تداخل وجود دارد که در تناقض و تضاد از صدق یک قضیه به کذب دیگری می‌رسیم، درحالی که به دنبال قضیه صادق هستیم، اما در تداخل از صدق قضیه کلی به صدق قضیه جزئی می‌رسیم پس باید به موجه جزئی برسیم یعنی «برخی از جانوران دارای حس‌اند.» (تأیید بخش دوم گزینه (۴))

✓ دقت کنید که عکس صادق موجه کلیه، موجه جزئی است؛ پس «همه حس‌داران جانورند» نادرست است. (رد بخش دوم گزینه‌های (۱) و (۲))

۶۴ **گزینه ۳** «برخی از ثروتمندان متکبر نیستند.» یک قضیه سالبه جزئی است. سالبه جزئی عکس لازم‌الصدق ندارد؛ پس اگر یک قضیه عکس بر آن ذکر کنیم، دچار ایهام انعکاس شده‌ایم.

۶۵ **گزینه ۱** بررسی گزینه‌ها طبق قضیه اول:

۱ تضاد قضیه اول: هیچ بچه‌ای بازیگوش نیست. - عکس قضیه اول: بعضی بازیگوش‌ها بچه‌اند.

۲ تضاد قضیه اول: همه دانش‌آموزان غایب بودند. - عکس قضیه اول: هیچ‌یک از غایب‌ها دانش‌آموز نبودند.

۳ تضاد قضیه اول: هیچ انسانی زیبایی را دوست ندارد. - عکس قضیه اول: بعضی دوست‌داران زیبایی انسان هستند.

۴ تضاد قضیه اول: هیچ کدام از مسافران از اتوبوس پیاده نشدند. - عکس قضیه اول: بعضی پیاده‌شدگان از اتوبوس، مسافر بودند.

۶۶ **گزینه ۴** ✓ هیچ الف ب نیست. (صادق) ← عکس مستوی ← هیچ ب الف نیست. (صادق) ← برخی ب الف نیست. (صادق) ← (رد گزینه‌های (۲) و (۳)) ✓ هیچ الف ب نیست. (صادق) ← تضاد ← هر الف ب است. (کاذب) ← (رد گزینه‌های (۱) و (۳))

✓ هیچ الف ب نیست. (صادق) ← تناقض ← برخی الف ب است. (کاذب) ← (رد گزینه‌های (۲) و (۳))

۶۷ **گزینه ۳** «هر خفاشی پرنده است.» موجه کلیه است که با قضیه «بعضی خفاش‌ها پرنده هستند.» رابطه تداخل دارند و در تداخل از کذب قضیه کلی نمی‌توانیم به نتیجه مشخصی درباره قضیه جزئی برسیم.

در قضیه «بعضی پرنده‌ها خفاش نیستند.» جای موضوع و محمول عوض شده و از آن‌جا که قضیه اصلی کاذب است ابتدا آن را وارد رابطه تناقض می‌کنیم تا صدق قضیه اصلی را به دست آوریم و سپس آن را عکس کنیم.

نقیض قضیه «هر خفاشی پرنده است.» می‌شود «بعضی خفاش‌ها پرنده نیستند.» که سالبه جزئی است و عکس ندارد؛ پس قضیه «بعضی پرنده‌ها خفاش نیستند.» نامشخص است.

تذکره اگر در یکی از قضایای سؤال جای موضوع و محمول عوض شده باشد و کاذب باشد، باید ابتدا نقیض شود تا صادق شود و سپس قضیه صادق را عکس می‌کنیم.

۶۸ **گزینه ۱** برخی الف ب است. ← تناقض ← هیچ الف ب نیست. ← تضاد ← هر الف ب است. ← عکس مستوی ← برخی ب الف است.

۶۹ **گزینه ۴** «هر استادی علاقه‌مند به دانشجو است.» موضوع محمول

موجه کلیه است که عکس آن باید بشود «بعضی علاقه‌مندان به دانشجو، استاد هستند.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ موجه کلیه به موجه جزئی عکس شده و موضوع و محمول هم دقیق جابه‌جا شده است.

۲ سالبه کلیه به سالبه کلیه عکس شده و موضوع و محمول هم دقیق جابه‌جا شده.

۳ موجه جزئی به موجه جزئی عکس شده و موضوع و محمول هم دقیقاً جابه‌جا شده.

۷۰ **گزینه ۳** وقتی قضیه C دارای عکس لازم‌الصدق نیست، پس سالبه جزئی است.

وقتی C و B با هم تداخل دارند و C سالبه جزئی است، پس B سالبه کلیه است. وقتی B و A با هم تضاد دارند و B سالبه کلیه است، پس A موجه کلیه است به همین دلیل گزینه (۳) جواب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ سالبه کلیه ← موجه جزئی ← موجه جزئی
۷۱ **گزینه ۲** شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس همان تکرار حد وسط است. در گزینه (۲) حد وسط «درست‌شده از ماست» می‌باشد که به صورت یکسان دو مقدمه تکرار شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «از خاک» در مقدمه اول محمول است و «خاک» در مقدمه دوم موضوع است، بنابراین حد وسط تکرار نشده است.

۳ در مقدمه اول، محمول مفهوم شاعر است اما در مقدمه دوم موضوع لفظ شاعر است نه مفهوم آن، بنابراین مغالطه عدم تکرار حد وسط است.

۴ محمول در مقدمه اول «دارای شناسنامه» است و موضوع در مقدمه دوم «شناسنامه» است، بنابراین حد وسط در این گزینه تکرار نشده است.

۷۲ **گزینه ۲** وقتی محمول یک مقدمه، موضوع نتیجه باشد؛ یعنی داریم از مقدمه اول صحبت می‌کنیم چون موضوع نتیجه از مقدمه اول می‌آید و از آن‌جا که محمول این مقدمه در نتیجه آمده است؛ پس موضوع این مقدمه، حد وسط است. حال اگر حد وسط، موضوع مقدمه اول و محمول مقدمه دوم باشد (طبق گزینه (۲))، قیاس شکل چهارم است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ اگر موضوع مقدمه دوم، محمول نتیجه باشد پس حد وسط در مقدمه اول، موضوع و در مقدمه دوم، محمول است که شکل چهارم می‌شود، نه شکل اول.

۳ اگر محمول مقدمه دوم، محمول نتیجه باشد، پس حد وسط در مقدمه دوم، موضوع است؛ یعنی حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است که می‌شود شکل سوم.

۴ اگر موضوع مقدمه دیگر محمول نتیجه باشد، حد وسط در مقدمه دوم، محمول است؛ یعنی حد وسط، موضوع مقدمه اول و محمول مقدمه دوم است، پس شکل چهارم است.

۷۳ **گزینه ۱** بنا بر جایگاه حد وسط در مقدمه اول و دوم، چهار شکل برای قیاس وجود دارد؛ پس ضرورتی ندارد که حد وسط در هر دو مقدمه یک جایگاه داشته باشد بلکه فقط شکل دوم و شکل سوم قیاس است که حد وسط در آن‌ها یک جایگاه دارد.

بررسی گزینه‌ها:

۱ موضوع: حیوانات ← سور جزئی دارد ← (-) محمول: دارای استخوان ← سالبه ← (+)

۲ موضوع: تیم والیبالی‌ها ← (+) محمول: برنده بازی ← موجه ← (-)

۳ موضوع: آدمی ← (+) محمول: اندیشمند به آینده به طور طبیعی ← موجه ← (-)

۴ محمول ← مفهوم جزئی ← (+) محمول: استقبال‌کننده خوب از فرستاده مغولان ← سالبه ← (+)

در این حالت (ب) حد وسط است و چون هر دو مقدمه موجه است نتیجه هم باید موجه باشد و از طرفی چون (الف) در مقدمه منفی است پس باید در نتیجه هم منفی باشد و به همین دلیل سور نتیجه باید منفی باشد.

حالت دوم $\left\{ \begin{array}{l} \text{مقدمه ۱: هر ب د است.} \\ \text{مقدمه ۲: بعضی ب الف است.} \end{array} \right.$ \therefore بعضی د الف است.

در این حالت «ب» حد وسط و هر دو مقدمه موجه است و البته قیاس شکل سوم است و نتیجه قطعاً جزئی است.

گزینه ۸۰

مقدمه اول: بعضی الف ب نیست. طبق اطلاعات صورت سؤال مقدمه دوم: هر ج ب است. قیاس اولیه به این صورت است. نتیجه: بعضی الف ج نیست. با عکس مستوی نمودن مقدمه دوم، قیاس جدید را می نویسیم.

قیاس جدید

در این قیاس جایگاه حد وسط محمول مقدمه اول و موضوع مقدمه دوم است؛ پس قیاس شکل اول است، اما چون هر دو مقدمه جزئی است، قیاس نامعتبر است یا به تعبیر دیگر چون شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است («ج» در نتیجه علامتش مثبت است و در مقدمات منفی) قیاس نامعتبر است.

گزینه ۸۱

در گزینه (۱)، علامت حد وسط در هر دو مقدمه (ب) منفی می شود پس شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد. در گزینه (۲)، (الف) در نتیجه علامت مثبت دارد اما در مقدمه ذکر شده در صورت سؤال علامت منفی دارد پس شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است. در گزینه (۳)، هر دو مقدمه موجه است اما نتیجه سالبه شده پس قانون نتیجه قیاس رعایت نشده است.

در گزینه (۴)، $\left\{ \begin{array}{l} \text{بعضی الف ب است} \\ \text{هیچ الف د نیست} \end{array} \right.$ \therefore بعضی ب د نیست.

قانون نتیجه رعایت شده و هم سه شرط اعتبار.

گزینه ۸۲ در قضایای شرطی متصل، ابتدا مقدم می آید و سپس تالی، اما این ترتیب از نظر معنا است، نه از نظر ظاهر و ترتیب لفظی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ آمدن ادات یا همان حرف شرط در قضایای شرطی متصل ملاک نیست و امکان دارد یک قضیه شرطی متصل اصلاً ادات شرط نداشته باشد.
- ۲ مبنای شمارش قضایای شرطی، تعداد تالی است نه مقدم، چراکه امکان دارد چند مقدم با هم یک مجموعه را تشکیل دهند.
- ۳ در قضایای شرطی متصل دو جزء هم خون داریم؛ یعنی یا از صدق به صدق می‌رسیم (اجتماع) یا از کذب به کذب می‌رسیم (ارتفاع).

گزینه ۸۳

در این بیت، میان «ز دانش برد توشه‌ای» و «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» اتصال برقرار است و ادات شرط «هر کس» هم دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ شرطی منفصل است.
- ۲ «اگر» در این جا به معنای محال بودن است و ادات شرط نیست.
- ۳ شرطی منفصل است.

گزینه ۷۵ قضیه «هر الف ب است.» یک مقدمه است و «ب» حد وسط است و چون قضیه موجه است، علامت «ب» در این مقدمه منفی است و طبق شرط دوم اعتبار قیاس، علامت حد وسط در هر دو مقدمه نباید منفی باشد؛ پس گزینه (۲) نمی‌تواند جواب باشد، چون در این گزینه «ب» سور جزئی دارد و علامتش منفی می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۳): (ب) موضوع است و سور کلی دارد؛ پس علامت مثبت دارد. (ب) محمول است و سالبه است؛ پس علامت مثبت دارد.

گزینه ۷۶

بعضی ب الف است. $\left\{ \begin{array}{l} \text{بعضی الف ج است.} \\ \dots \end{array} \right.$

نتیجه موجه است؛ پس براساس قانون نتیجه قیاس، هر دو مقدمه موجه است \rightarrow علامت محمول در مقدمه دیگر حتماً (-) است.

حد وسط در نتیجه نمی‌آید؛ پس حد وسط «ب» است.

حد وسط حداقل باید در یک مقدمه علامت مثبت باشد؛ پس اگر محمول در مقدمه دیگر منفی است، موضوع که همان حد وسط است در مقدمه دیگر، باید علامت مثبت داشته باشد \rightarrow علامت موضوع و محمول در مقدمه دیگر یکسان نیست.

مقدمه دوم: هر ب ج است.



گزینه ۷۷

کیفیت نتیجه موجه است؛ پس هر دو مقدمه موجه هستند. مقدمه اول: ... مقدمه دوم: هر ج ب است.

\therefore بعضی الف ب است.

در نتیجه نیامده است؛ پس محمول نتیجه: از مقدمه دوم می‌آید. حد وسط است. موضوع نتیجه از مقدمه اول می‌آید.

با توجه به اطلاعات فوق، مقدمه اول باید دارای بخش‌های (الف)، (ج) و (است) باشد که فقط گزینه (۱) این گونه است.

گزینه ۷۸ بررسی گزینه‌ها:

۱ هر دو مقدمه موجه است و نتیجه هم موجه؛ پس قانون نتیجه رعایت شده است. هر دو مقدمه موجه است (شرط اول) حد وسط (ج) است که در هر دو مقدمه مثبت است (شرط دوم). / موضوع و محمول نتیجه منفی هستند؛ پس شرط سوم نیاز به بررسی ندارد.

۲ یک مقدمه سالبه است و نتیجه هم سالبه است؛ پس قانون نتیجه رعایت شده است. / یک مقدمه موجه است (شرط اول) حد وسط (الف) است که در هر دو مقدمه مثبت است (شرط دوم). / (ب) در نتیجه مثبت اما در مقدمه اول منفی است؛ پس شرط سوم رعایت نشده.

۳ یک مقدمه سالبه است، پس نتیجه هم باید سالبه باشد اما نیست پس قانون نتیجه رعایت نشده است.

۴ یک مقدمه سالبه است و نتیجه هم سالبه است پس قانون نتیجه رعایت شده است / یک مقدمه موجه است (شرط اول). / حد وسط (ب) است که در مقدمه اول مثبت است (شرط دوم). / (ج) در نتیجه مثبت است اما در مقدمه دوم منفی است؛ پس شرط سوم رعایت نشده است.

گزینه ۷۹ در صورت سؤال، ترتیب مقدمات مشخص نشده است؛ پس باید هر دو حالت را در نظر بگیریم:

حالت اول $\left\{ \begin{array}{l} \text{مقدمه ۱: بعضی ب الف است.} \\ \text{مقدمه ۲: هر ب د است.} \end{array} \right.$ \therefore بعضی الف د است.

بررسی گزینه‌ها:

۱ رسانا یا غیر فلز
 صادق ← صادق یا کاذب
 کاذب ← صادق

۲ حملی یا منفصل حقیقی
 صادق ← کاذب
 کاذب ← صادق یا کاذب

۳ جاندار یا تنفس کننده نیست.
 صادق ← کاذب
 کاذب ← صادق

۴ چهار ضلع یا مربع نیست.
 صادق ← صادق یا کاذب
 کاذب ← صادق

بررسی گزینه‌ها:

۱ رسانا یا غیر فلز
 صادق ← صادق یا کاذب
 کاذب ← صادق

۲ ماه به دور خورشید یا ماه به دور زمین
 صادق ← صادق یا کاذب
 کاذب ← صادق

۳ حملی یا منفصل حقیقی
 صادق ← کاذب
 کاذب ← صادق یا کاذب

۴ جاندار یا دارای احساسات نیست.
 صادق ← صادق یا کاذب
 کاذب ← صادق

صورت سؤال به ما می‌گوید «هیچ ج د نیست یا هر ج د است.» میان دو طرف این قضیه که سالبه کلیه و موجبه کلیه هستند، رابطه تضاد داریم که اجتماع محال و ارتفاع ممکن است؛ پس قضیه منفصل مانع‌الجمع است.

طرفین «یا» موجبه جزئیه و موجبه کلیه هستند و میان آن‌ها رابطه تداخل برقرار است؛ پس در این جا هیچ کدام از انواع قضیه شرطی انفصالی را نداریم.

بررسی گزینه‌ها:

۱ اگر موجودی زنده است آن گاه نفس می‌کشد.
 مقدم
 تالی

ربات تنفس نمی‌کند. (رفع تالی)

← ربات موجود زنده نیست. (معتبر)

۲ توانا بود هر که دانا بود
 تالی
 مقدم
 سقراط دانا بود. (وضع مقدم)
 ← سقراط توانا بود. (معتبر)

۳ هر چیزی که مادی باشد، وزن خاصی دارد.
 مقدم
 تالی

هوا و گازهای تشکیل دهنده آن ماده است. (وضع مقدم)

← هوا و گازهای تشکیل دهنده آن، سنگینی (وزن) دارند. (معتبر)

مقدم
 تالی

این حیوان برگ درختان را می‌خورد (علف خوار است).

← این حیوان وحشی و گوشت خوار نیست (نامعتبر است، زیرا مغالطه وضع تالی رخ داده است).

این حیوان برگ درختان را می‌خورد. (وضع تالی)

بررسی گزینه‌ها:

۱ اگر این قلم می‌نویسد، پس جوهر دارد.
 مقدم
 تالی

قلم جوهر دارد. (وضع تالی)

← این قلم می‌نویسد. (نامعتبر)

۲ اگر علی به خانه آمده بود، در قفل نبود.

مقدم
 تالی

در قفل است. (رفع تالی)

← علی به خانه نیامده است. (معتبر)

۳ هیچ درنده‌ای علف خوار نیست، بعضی علف خوارها یال دارند. بعضی درندگان یال ندارند. این قیاس، اقتراعی است اما شرط سوم اعتبار رعایت نشده، چون (یال دار) در نتیجه مثبت است اما در مقدمه (و) منفی است.

۴ اگر جسمی فلزی باشد در اثر حرارت داغ می‌شود.

مقدم
 تالی

این طرف فلزی نیست. (رفع مقدم)

← در اثر حرارت داغ نمی‌شود. (نامعتبر)

۹۰ تفاوت مهم میان تفکر نقاد و غیرنقاد، جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن و پرسیدن سؤالات بجاست. اما دقت کنید که امکان دارد متفکر غیرنقاد هم روی مسائل بنیادین تفکر کند (رد گزینه (۱)) و متفکر نقاد همیشه از خطای اندیشه و مغالطه در امان نیست (رد گزینه (۲)). از طرفی متفکر نقاد هنگام شنیدن یک مطلب یا تصمیم‌گیری درباره آن، آن را از وجوه مختلفی بررسی می‌کند. (رد گزینه (۴))

۹۱ در گذشته به استدلال‌های مربوط به غلبه بر دیگران، جدل می‌گفتند که در کتاب‌های منطق، فنونی برای آن مطرح شده، از جمله این که به گونه‌ای مقدمات خود را مطرح کنیم که طرف مقابل نتواند نتیجه را حدس بزند و ناگهان با طرح نتیجه مورد نظر او را غافلگیر کنیم (رد گزینه (۴)) و این که مرحله به مرحله از وی نسبت به پذیرش سخنانمان اعتراف بگیریم (تأیید گزینه (۲)). دقت کنید که گزینه‌های (۱) و (۳) مربوط به اقناع دیگران است.

۹۲ هدف از اقناع دیگران این است که آن‌ها را قانع (وادار) کنیم تا به یک کار مبادرت ورزند.

۹۳ «تعصب» در این جمله بار منفی دارد و به عنوان ویژگی منفی بیان شده اما در ادامه جمله از «ثبات قدم» نام برده شده که عموماً بار مثبت دارد. «موضع‌گیری‌ها»، گاهی اوقات منفی و گاهی مثبت است؛ پس در کل خنثی است «جهت‌دادن» نیز کلمه‌ای با بار خنثی است.

۹۴ در این گزینه مغالطه توسل به احساسات داریم، چراکه دلیل خاصی نداریم اما زولیدگی فرد امکان دارد حس بدی را به ما منتقل کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ در استدلال از مقدمه به سمت نتیجه می‌رویم، نه برعکس.

۳ کلمات بار ارزشی متفاوت دارند؛ پس تأثیرشان بر شنونده یکسان نیست.

۴ این جا مغالطه تعمیم شتابزده داریم و ربطی به عوامل روانی ندارد.

درس ۱ هستی و چیستی

توی این درس با دو مفهوم اصلی هستی و چیستی در فلسفه آشنا می‌شیم که شناخت بهتر اون‌ها به یادگیری مطالب درس بعد هم کمک می‌کنه و البته پیش‌زمینه بخشی از این درس، مطالب درس ۶ منطقه. با توجه به سابقه کنکور، این درس و ارتباطش با درس ۲ دوازدهم خیلی مورد علاقه طراح کنکوره.


جمع و جور ۱


برای این‌که نسبت وجود و ماهیت رو بهتر بفهمیم باید با هم هوار تا قدم فلسفی برداریم، هر قدم رو تو یک جمع و جور توضیح دادیم. بریم قدم اول رو برداریم.


وجود واقعیت مستقل از ذهن


- ← قدم نخست برای شناخت بیشتر دو مفهوم «هستی» و «چیستی» است.
- ← در اطراف ما چیزهای واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.
- ← ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.


نکات مرتبط با «واقعیت مستقل از ذهن»

منشأ اثر موجودات یا آن‌چه که موجب اثرگذاری موجودات می‌شود، «وجود» یا «هستی» یا همان «واقعیت» آن‌ها است. 

سوفیست‌ها منکر «واقعیت مستقل از ذهن» هستند. (ترکیبی با درس ۶ یازدهم) 

هستی = وجود 

چیستی = ماهیت 

امور واقعی (واقعیت) = امور تخیلی و ذهنی 

↓ objective ↓ subjective



جمع و جور ۲

در جمع و جور دو، قدم دوم برای شناخت نسبت وجود و ماهیت رو برمی‌داریم.

دو جنبه از یک موجود



وجوه و جنبه‌های موجودات

وجود ← وجه مشترک (وجه تشابه) موجودات

ماهیت ← وجه اختصاصی (وجه تفاوت، مفارقت) موجودات

نکات مرتبط با «دو جنبه از هر چیز قابل مشاهده»

هشدار قیود اشاره فقط «این» و «آن» نیست و شامل عبارات دیگری از جمله «همین» و «همان» هم می‌شود.

(خارج ۱۴۰۱)

۲۰۳- کدام عبارت درست است؟

- ۱) هر چه که فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد: هستی و چیستی.
- ۲) از میان نسب اربع، نسبت میان واقعیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
- ۳) اشاره کردن به چیزی، بدون این که به نوعی وجود آن را باور داشته باشید، غیرممکن است.
- ۴) وقتی چیزی را واقعی می‌پنداریم و سپس می‌فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته‌ایم.

جمع و جور ۳

مغایرت ذهنی مفهوم «وجود» و «ماهیت»

قدم سوم برای شناخت بیشتر دو مفهوم «هستی» و «چیستی» است.

فارابی نسبت به تمایز میان دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» تلاش ویژه‌ای کرد.

تلاش ابن سینا برای بیان مغایرت «وجود» و «ماهیت»

ابن سینا، راه فارابی را ادامه داد.

به نظر ابن سینا، وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند: ← به این معنا نیست که

آن‌ها دو جزء یک موجودند.

آن‌ها با هم ترکیب شده‌اند

آن‌ها با هم جمع شده‌اند.

یک مثال برای فهم رابطه «چیستی» و «هستی» در مورد «آب»

از نگاه شیمی ← آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن

از نگاه فلسفه

آب موجودی واحد است که انسان دو مفهوم «چیستی آب» و «وجود آب» را از آن به دست می‌آورد.

در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم.

«آب» و «وجود» دو مفهوم‌اند که در ذهن با هم مغایر هستند.

درک ما از «هستی» و «چیستی» چیزهای مختلف

۱) چیزهایی که هستی و چیستی آن‌ها را می‌شناسیم.

- مثال
- ← درخت
 - ← آسمان
 - ← لیوان

۲) چیزهایی که از هستی آن‌ها باخبریم اما هنوز چیستی آن‌ها برای ما روشن نیست.

- مثال
- ← سیاه‌چاله‌های فضایی
 - ← حقیقت نور

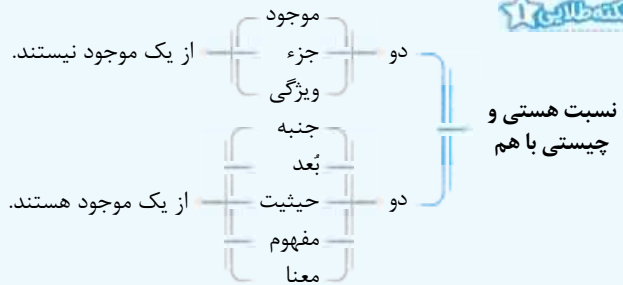
۳) چیزهایی که چیستی آن‌ها در ذهن حاضر شدند اما تاکنون موجود نشده‌اند.

- مثال
- ← سیم‌رغ
 - ← دیو
 - ← پری دریایی
 - ← اثردها

۴) چیزهایی که چستی آن‌ها را می‌دانیم ولی در مورد وجود داشتن یا نداشتن آن‌ها شک داریم.

مثال
شکل‌های هندسی
نقطه

نکات مرتبط با «مغایرت ذهنی مفهوم وجود و ماهیت»



«وجود» و «ماهیت»، دو مفهوم مغایر در ذهن هستند اما در خارج از یکدیگر جدا نیستند.

اسم اشیا و موجودات (مثل: آب، درخت، کیف و ...) بیانگر ماهیت آن‌ها است و برای اشاره به وجود می‌گوییم «وجودداشتن آب» یا «وجودداشتن درخت» و ...

امور تخیلی یا فرضی (اموری که چستی آن‌ها در ذهن ما حاضر شده اما تاکنون در جهان خارج موجود نشدند). اثبات‌کننده مغایرت وجود و ماهیت هستند، چراکه آن‌ها ماهیت دارند اما وجود ندارند.

۲۰۴- کدام عبارت درباره نسبت وجود و ماهیت، دقیق‌تر است؟

- ۱) وجود و ماهیت دو جنبه هستند که از یک موجود واحد نشأت می‌گیرند و توسط ذهن انسان ادراک می‌شوند.
- ۲) اگر وجود و ماهیت دو جزء یک موجود نبودند، ذهن انسان قادر به تفکیک آن‌ها از یکدیگر نبود.
- ۳) با تفکیک وجود و ماهیت یک موجود از یکدیگر، آن موجود از بین رفته و دو واقعیت جدید به وجود می‌آیند.
- ۴) درست است که هر موجود، از ترکیب وجود و ماهیت به وجود آمده، اما این دو، در خارج از ذهن قابل تفکیک نیستند.

۲۰۵- کدام مورد برای روشن کردن نسبت وجود و ماهیت، مناسب نیست؟

- ۱) وقتی نمی‌دانیم گوشی تلفن همراهمان کجاست.
- ۲) وقتی نمی‌دانیم آن چه در سفره گذاشته‌اند، چه غذایی است.
- ۳) وقتی نمی‌دانیم حیوانی که از دور می‌بینیم، شغال است یا روباه.

۲۰۶- کدام گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها، مثال مناسب‌تری برای بیان رابطه میان مفاهیم «وجود» و «ماهیت» است؟

- ۱) لاستیک و موتور که از اجزای تشکیل‌دهنده خودرو هستند.
- ۲) زیبایی و استحکام که از ویژگی‌های سنگ‌های تزئینی نمای ساختمان است.
- ۳) معلم‌بودن و مادر‌بودن که نشان‌دهنده شخصیت سارا می‌باشند.
- ۴) قاشق و چنگال که هر دو به خوردن غذای انسان کمک می‌کنند.



جمع و جور ۴

قدم چهارم، بیان استدلال این‌سینا بر مغایرت وجود و ماهیت. این قدم با نکاتش، بخش قبلی موم این درس به حساب میان؛ پس فوب یادش بگیرین.

استدلال این‌سینا برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت

قدم چهارم برای شناخت بیشتر دو مفهوم «هستی» و «چستی» است.

انواع قضایای حملی از نظر نوع حمل محمول بر موضوع

نیازمند دلیل

در این قضایا محمول

- عین موضوع نیست.
- ذات موضوع نیست.
- جزء تعریف موضوع نیست.
- تعریف موضوع نیست.

مثال

- مداد قرمز است.
- کتاب گران است.
- دانش آموز درس خوان است.
- انسان موجود است.

بی‌نیاز از دلیل

در این قضایا محمول

- عین موضوع است.
- ذات موضوع است.
- تعریف موضوع است.
- جزئی از تعریف موضوع است.
- مترادف موضوع است.

مثال

- پلاتین فلز است.
- مثبت شکل است.
- انسان بشتر است.
- انسان حیوان است.
- انسان حیوان ناطق است.

ابن سینا می گوید

در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است.» و «انسان موجود است.» حمل «وجود» بر انسان یا حمل «حیوان ناطق» بر انسان متفاوت است.

«انسان حیوان ناطق است.»

- ← انسان به وسیله حیوان ناطق تعریف شده است.
- ← حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان هستند.
- ← حیوان و ناطق بیان کننده ذات و حقیقت انسانی هستند.
- ← دو مفهوم «انسان» و «حیوان ناطق» جدایی پذیر نیستند.
- ← حمل «حیوان ناطق» بر انسان بی نیاز از دلیل است.

«انسان موجود است.»

- ← برای حمل مفهوم وجود بر انسان، نیازمند دلیل هستیم.
- ← دلیل حمل در حمل های نیازمند دلیل می تواند از طریق حس، تجربه یا عقل محض باشد.
- ← حمل مفهوم وجود بر سایر ماهیت ها و چیستی ها نیز نیازمند به دلیل است.
- ← مفهوم انسان به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن ها برقرار نیست.

نکات مرتبط با «استدلال ابن سینا برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت»

یکی از راه های اثبات مغایرت وجود و ماهیت، استفاده از برهان خُلف است. یعنی تصور کنیم «وجود» و «ماهیت» مغایر نیستند، آن گاه مشکلات حاصل از آن را بیان کنیم.

- ۱- اگر وجود و ماهیت عین هم باشند
 - وجودداشتن همه ماهیات بی نیاز از دلیل می شد.
 - حمل وجود بر هر ماهیتی بی نیاز از دلیل می شد.
 - نفی وجود از هیچ ماهیتی ممکن نبود.
 - امور تخیلی و فرضی (چیزی که ماهیت دارد اما وجود ندارد)، بی معنا می شد.
 - همه ماهیات یکی می شوند. (وجه اختصاصی و وجه مشترک موجودات یکی می شود).
 - ماهیت ها منشأ اثر موجودات می شوند، در حالی که می دانیم وجود منشأ اثر است.
 - ۲- اگر وجود و ماهیت جزء یکدیگر باشند
 - تمام نتایج عینیت وجود و ماهیت به جز «یکی شدن همه ماهیات» جزء نتایج جزئیت وجود و ماهیت هم هستند.
 - مغایرت = زیادت (مغایرت وجود و ماهیت = زیادت وجود بر ماهیت)
 - مغایرت = عینیت، جزئیت
 - حمل بی نیاز از دلیل = حمل اولی ذاتی
 - حمل نیازمند دلیل = حمل شایع صناعی
- اگر بتوانیم برای یک حمل مثال نقض بیاوریم، آن حمل نیازمند دلیل است. برای مثال وقتی می گوئیم «مداد قرمز است.» بی شمار مثال نقض می توان آورد؛ مثلاً این که بگوییم «مداد آبی است»، «مداد مشکی است» و ...
- این که دو مفهوم با هم ارتباط زیادی داشته باشند، برای این که بگوییم حمل آن ها بر یکدیگر بی نیاز از دلیل است کفایت نمی کند، بلکه برای بی نیاز از دلیل بودن یک حمل، باید آن مفهوم که حمل می شود، عیناً تعریف یا جزء تعریف موضوع باشد. به طور مثال مفهوم سرما با زمستان ارتباط نزدیکی دارد، اما حمل سرما بر زمستان نیازمند به دلیل است، زیرا سرما جزء تعریف زمستان نیست و به تعبیر دیگر می توان روزهای زمستان را فرض کرد در حالی که سرد نباشند.

۲۰۷- در کدام گزاره، نمی توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

- (۱) زمستان سرد است. (۲) انسان فانی است. (۳) خدا جاودانه است. (۴) پلاتین فلز است.

۲۰۸- کدام گزینه از نظر نیازمندی و یا بی نیازی به دلیل حمل، متفاوت است؟

- (۱) انسان، مخلوق است. (۲) انسان، جسم نامی حساس ناطق است. (۳) انسان، موجود است. (۴) انسان، دانشمند است.

۲۰۹- اگر وجود و ماهیت با هم مغایرت نداشته باشند، کدام مطلب به عنوان پیامد آن مطرح نیست؟

- (۱) با حقیقتی دوگانه در رابطه با هر شیء در خارج، مواجه نخواهیم بود. (۲) مفاهیم صرفاً ذهنی همچون پری دریایی، قابل طرح نبودند. (۳) حمل وجود بر ماهیت، نیازمند دلیل نخواهد بود و بی نیاز از دلیل است. (۴) هر چیزی را که مشاهده می کنیم دو حیثیت ندارد و تنها یک حیثیت خواهد داشت.

۲۱۰- در کدام گزینه شرایط ذکر شده با عبارت بیان شده در ابتدای گزینه، به طور دقیق انطباق دارد؟

- ۱) با تصور هر ماهیتی، وجود هم با آن همراه بود. ← اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر می‌بود.
- ۲) نفی ماهیت از وجود ممکن نبود. ← تنها اگر وجود عین ماهیت می‌بود.
- ۳) اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. ← اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر نمی‌بود.
- ۴) همه ماهیات یکی بود. ← اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود.

جمع و جور ۵

بعد از این که در پارهٔ قدم نسبت وجود و ماهیت رو بررسی کردیم، نوبت اینه که ببینیم این اندیشه در مسیر تاریخی چه تأثیری گذاشته.

تأثیرات مبحث «مغایرت وجود و ماهیت» بر مباحث فلسفی

این مطلب مقدمهٔ طرح مباحث جدیدی قرار گرفت. ← فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفهٔ اسلامی است.

پایهٔ برهان اثبات وجود خدای ابن سینا یعنی برهان «وجود و امکان» می‌باشد.

تأثیر روی «توماس آکوئیناس»

آکوئیناس متأثر از ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. ← مکتب فلسفی تومیسم

اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد.

آکوئیناس این اصل را همچون ابن سینا، پایهٔ برهان خداشناسی خود قرار داد.

نتیجهٔ تلاش‌های آکوئیناس و مکتب او

آشنایی فلاسفهٔ غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد

ارتباط مجدد فلاسفهٔ غرب با فلسفهٔ ارسطویی

نکات مرتبط با «تأثیرات مبحث مغایرت وجود و ماهیت بر مباحث فلسفی»

توجه تفریحی: «مغایرت وجود و ماهیت» مقدمه‌ای برای اثبات وجود خدا توسط ابن سینا در برهان «وجود و امکان» است.

(خارج ۹۸)

۲۱۱- کدام اصل فلسفی مبنای برهان خداشناسی سینوی و کدام اصل، پایهٔ برهان خداشناسی توماس آکوئیناس است؟

- ۱) مغایرت وجود و ماهیت - اصل علیت
- ۲) اصل وجود و امکان - مغایرت وجود و ماهیت
- ۳) اصل وجود و امکان - اصل علیت
- ۴) مغایرت وجود و ماهیت - مغایرت وجود و ماهیت

۲۱۲- کدام گزینه در رابطه با آکوئیناس و ابن سینا بیانگر مطلب درستی است؟

- ۱) آکوئیناس هم مانند ابن سینا، اما به صورت مستقل از او، در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا، براساس آن وارد شده است.
- ۲) هر کدام به طور کاملاً مستقل، توجه ویژه‌ای به بحث مغایرت ذات و ماهیت داشته‌اند.
- ۳) توجه ویژهٔ ابن سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چیستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است.
- ۴) مغایرت ذهنی هستی و چیستی، پایهٔ برهان وجود و امکان ابن سینا در اثبات ضرورت وجود خدا بوده است.

۲۰۸ گزینه‌ها: بررسی گزینه‌ها:

۱ و ۳ و ۴ همگی نیازمند دلیل هستند، چون «مخلوق بودن»، «دانشمندبودن» و «موجودبودن» هیچ کدام ماهیت و ذات انسان نیستند، جزئی از انسان هم نیستند. ۲ نیازمند دلیل نیست، «جسم نامی حساس» همان «حیوان» است؛ پس گزینه (۲) در اصل همان «انسان، حیوان ناطق است». می‌باشد که «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چپستی او را تشکیل می‌دهند. ۲۰۹ گزینه‌ها: چه معتقد به مغایرت وجود و ماهیت باشیم چه نباشیم، هیچ شیئی در خارج، دو حقیقت نخواهد داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ اگر وجود و ماهیت عین یا جزء یکدیگر باشند (مغایرت وجود و ماهیت نباشد)، هر ماهیتی که در ذهن می‌آوریم باید وجود نیز داشته باشد و در این صورت امور صرفاً ذهنی (اموری که در ذهن ماهیت دارند، اما وجود خارجی ندارند) قابل طرح نبودند. ۳ اگر میان مفهوم وجود و ماهیت تفاوتی نباشد. حمل نیازمند دلیل نخواهد بود و حمل از نوع ضروری است. ۴ اگر وجود و ماهیت مغایرت نداشته باشند و یکی باشند دیگر ما با دو حیثیت مواجه نخواهیم بود.

۲۱۰ گزینه‌ها: اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود (به عبارت دیگر: اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر نمی‌بود)، اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ زمانی می‌توان گفت که با تصور هر ماهیتی وجود هم همراه آن خواهد بود که مغایرتی میان وجود و ماهیت نباشد؛ به بیان دیگر اگر وجود و ماهیت مغایر باشند، تصور هر ماهیتی با وجود آن همراه نخواهد بود. ۲ اگر وجود، عین ماهیت یا جزء ماهیت می‌بود، نفی ماهیت از وجود ممکن نبود؛ بنابراین قید «تنها» باعث اشتباه‌بودن گزینه (۲) گردیده است. ۴ تنها در صورتی که وجود عین ماهیت می‌بود (نه زمانی که وجود جزء ماهیت می‌بود)، همه ماهیات یکی می‌شدند.

۲۱۱ گزینه‌ها: برهان ابن سینا بر پایه و مبتنی بر مغایرت و جدایی مفهوم وجود و ماهیت است. توماس آکوئیناس متأثر از فلسفه ابن سینا بود و نظر ابن سینا را مبنای برهان خدانشناسی‌اش قرار داد، پس براهین هر دو مبتنی بر مغایرت وجود و ماهیت‌اند.

۲۱۲ گزینه‌ها: توجه ویژه ابن سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چپستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است و منجر به پایه‌ریزی مکتب فلسفی «تومیسیم» توسط آکوئیناس شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ آکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا براساس آن، تابع و پیرو ابن سینا بود و مستقل از او نبود. ۲ آکوئیناس مانند ابن سینا و با تبعیت از او بحث مغایرت وجود و ماهیت (نه ذات و ماهیت) را پایه برهانش برای اثبات وجود خدا قرار داد. ۴ مغایرت ذهنی هستی و چپستی، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا (نه ضرورت وجود خدا) بوده است.

۲۱۳ گزینه‌ها: اکسیژن قطعاً نوعی گاز است و فلز هم قطعاً نوعی ماده است؛ پس در گزینه (۴) رابطه میان موضوع و محمول در هر دو قضیه وجوبی و ضروری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ وجوبی - امکانی (فعل می‌تواند وقوع حالت را برساند). ۲ وجوبی - امکانی (زیرا یکی از انواع ویروس می‌تواند آنفلوآنزا باشد یا ویروس دیگری همچون کرونا). ۳ امکانی (امکان دارد روزی آب کره زمین تمام شود) - وجوبی

۲۰۱ گزینه‌ها: دقت کنید که هرچند عقل عملی شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها را بر عهده دارد، اما آن چه که منجر به گرایش به نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها می‌شود از نظر فلاسفه مسلمان فطرت و ذات آدمی است. به عبارتی انسان فطرتاً نسبت به این موارد گرایش دارد و این امر به عقل نظری که شناخت هست و نیست‌ها را بر عهده دارد، مربوط نیست.

۲۰۲ گزینه‌ها: از نظر فلاسفه مسلمان به دلیل وجود دو نوع تمایلات در انسان، گرایش به خیر اخلاقی و تمایلات متضاد با آن، کم‌وبیش در همه انسان‌ها (یعنی این گرایش‌ها در همه هست ولی شدت و ضعف آن‌ها در افراد فرق دارد) چه معتقد به خدا باشند و چه نباشند، وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ فضیلت غضب، شجاعت است، نه خویشتنداری. ۲ از نظر کانت فعل خیر اخلاقی باید صرفاً برای اطاعت از وجدان باشد اما این که نفع شخصی وجود نداشته باشد کفایت نمی‌کند. ۴ فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست معتقدند که هرگاه انسان بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند. بنا بر این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است.

۲۰۳ گزینه‌ها: اشاره کردن به چیزی به معنای آن است که وجود آن را می‌دانیم، اما چپستی و ماهیت آن را نمی‌دانیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ هر چه که موجود باشد یعنی در عالم خارج باشد، نه این که فرض شود، دو حیثیت هستی و چپستی را دارد. ۲ وجود و ماهیت، دو مفهوم مغایر هستند؛ پس رابطه آن‌ها تباین است. ۴ اگر بفهمیم چیزی وجود نداشته؛ یعنی هستی آن زیر سؤال می‌رود، نه ماهیت آن. ۲۰۴ گزینه‌ها: وجود و ماهیت دو جنبه یا دو بُعد یا دو حیثیت از یک چیز هستند که مغایرت آن‌ها و دو جنبه‌بودن آن‌ها فقط در ذهن درک می‌شود و در خارج یک چیز هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ وجود و ماهیت دو جزء نیستند و ذهن انسان هم می‌تواند آن‌ها را تفکیک کند. ۳ وجود و ماهیت فقط در ذهن مغایر هستند؛ پس در خارج و واقعیت ما با یک چیز روبه‌رو هستیم. ۴ از آن جا که وجود و ماهیت، اجزای یک موجود نیستند؛ پس نمی‌توانیم بگوییم هر موجود از ترکیب آن‌ها به وجود آمده است.

۲۰۵ گزینه‌ها: نسبت میان وجود و ماهیت این است که آن‌ها دو جنبه از یک چیزند اما در ذهن مغایر هستند؛ پس برای درک مغایرت آن‌ها بهتر است از وجود و هستی یک چیز آگاه باشیم، اما چپستی آن را ندانیم، مانند گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) اما در گزینه (۱) ما می‌دانیم تلفن همراه چپست و حتی می‌دانیم وجود دارد اما مکان آن را نمی‌دانیم؛ پس نمی‌تواند به ما در زمینه مغایرت وجود و ماهیت کمکی کند.

۲۰۶ گزینه‌ها: دقت کنید که در گزینه (۳) «معلم‌بودن» و «مادر‌بودن» دو جنبه یا دو بُعد از شخصیت یک نفر یعنی سارا می‌باشد. همان طور که وجود و ماهیت دو جنبه یا دو بُعد یا دو حیثیت از یک چیز هستند، اما دو جزء یک موجود نیستند (رد گزینه (۱)) و دو ویژگی از یک موجود هم نیستند (رد گزینه (۲)) و البته فقط در ذهن مغایر هستند اما در خارج یک چیز هستند (رد گزینه (۴)).

۲۰۷ گزینه‌ها: وقتی ذات یک شیء یا اجزای ذاتی‌اش بر آن شیء حمل شود، نیازی به دلیل نیست، پلاتین نوعی فلز است که در تعریف حقیقی آن «فلزبودن» وجود دارد؛ بنابراین حمل «فلز» بر «پلاتین» بی‌نیاز به دلیل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

در هیچ کدام، محمول ذات موضوع یا جزئی از ذات موضوع نیست.